

انقلاب؛ امام همه و هیچ

■ عنوان: روح الله از تولد تا تبعید

■ نویسنده: ؟

■ ناشر: رنگین کمان، کلام، لک لک، نهاد

■ نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۸

■ شمارگان: ۶۰۰۰ نسخه

■ بها: ۶۰۰ تومان

● حمید باباوند



کتاب «روح الله از تولد تا تبعید» در نظر اول کتابی بسیار جناب می‌نماید؛ به ویژه وقتی نشانه و نوشته تاریخ انقلاب برای کودکان و نوجوانان «بر تارک آن‌دیده می‌شود.

گویا تا به حال هیچ کس این گروه سنی را قابل آن‌ندانسته تا برای او به تاریخ‌نگاری بپردازد و اکنون عندهای با درک صحیح این خلاء به رفع آن همت‌گماشته‌اند.

اما یک مشکل عمده از ابتدا تا انتها، کتاب را دنبال می‌کند. البته نقایص یا نقاط قوت و ضعف دیگری نیز در کنار آن خودنمایی می‌کند که هر کدام در حد خود قابل توجه و بحث و فحص است.

بلا تکلیف

علم‌ترین مشکل کتاب، بلا تکلیفی آن است. گویانویسنده یا نویسندگان محترم نمی‌دانستند که بلاخره قرار است تاریخ بنویسند، داستان‌سرایی و خاطره‌گویی کنند و یا جنگی برای مخاطب فراهم آورند.

در حاشیه صفحات، از شعر هم استفاده شده و در بعضی موارد، سیر تاریخی و تاریخ چندین ساله، در خاطرهای مقطعی و طی چند سطر بیان شده و گاه حادثهای حاشیهای آن قدر پررنگ شده که صفحه‌های رایبه خود اختصاص داده است.

در باقی موارد هم، قاضی شاکمی، یک طرفه وارد بازار شده و همه چیز را خلاصه و همان طور که کودک‌بارها و بارها شنیده، برای او تکرار کرده و با نگاهی سطحی، برای تاریخ حکم صادر فرموده و این کودک یا نوجوان معصوم است که باید بماند با همان سؤال‌های بی‌پاسخ گذشته و شاید سؤالاتی جدیدتر؛ سؤالاتی نظیر این که «سیاست‌های غلط رضاشاه چه بود؟» - صفحه ۱۵ - «چرا امام بعد از رضا شاه به مبارزه با فرزند او ادامه داد؟ مگر گناه او چه بود؟» - صفحه ۱۷ - «چرا امام شاه را به عنوان بزرگترین مقام معرفی می‌کنند؟ مگر با او مخالف نیستند؟» - صفحه ۳۲ - و...

بی توجهی به نوجوانان

طرح مجموعه، نوجوانانه نیست و روایت آن گونفاست که بیشتر برای ذهن ساده کودکان مناسب است تا برای ذهن پرسشگر نوجوانان.

آن هم نوجوانی که قبلا چنین حرف‌هایی را در کتاب‌های درسی‌اش خوانده و شاید چندین مرتبه از صدا و سیما آنها را شنیده و هم اینک باز هم همان رامی‌خواند و می‌بیند. علاوه بر طرح، لحن نوشتار نیز لحنی کودک پسند است و خلاصه معلوم نیست چرا نوجوانان نیز جزء مخاطبان این کتاب قرار گرفته‌اند. این امری کاملا طبیعی است که در همه دست‌مندی‌ها این‌دو گروه از هم متمایز و با سلیق و ذائقه‌های خاص خودشان شناخته می‌شوند، اما ناشران محترم بدون توجه به این تقسیم‌بندی ابتدایی، این

دو گروه کاملاً مشخص را به یک شکل و یک زبان مورد خطاب قرار دادند.

بدون تحلیل

ناشران محترم در مقدمه خود متذکر می‌شوند که قصد تحلیل این وقایع را ندارند. چنین ادعایی تا چه میزان می‌تواند صحیح باشد و آیا اساساً چنین چیزی‌باور کردنی است؟

به محض آن که ما حادثهای را برای بازگویی مناسب می‌بینیم و از کنار حادثه دیگری می‌گذریم، اولین گام را در تحلیل آن حادثه برداشتیم؛ یک مطلب را مهم دانستیم و مطلب دیگر را بی‌اهمیت.

گذشته از صلق یا کذب چنین ادعایی، سؤال مهم‌تری مطرح می‌شود: آیا کودکان و نوجوانان به صرف شنیدن یک واقعه می‌توانند بهره‌کافی و وافی را از آن ببرند و یا برای درک و هضم بهتر نیاز به یک صافی دارند؟ اگر چنان باشد که دیگر نه تنها کودکان و نوجوانان که هیچ کس به راهنما نیاز ندارد. اما اگر بپذیریم که نفع‌ها این گروه سنی، بلکه همه و نه تنها در این مورد که هر همه موارد، به کارشناسی نیاز دارند تا بتوانند مسائل را آن طور که باید بشناسند و بشناسانند، چنین ادعاهایی نه تنها بی‌ارزش که ضارزش خواهد بود. باید بپذیریم که مسائل مختلف از جمله تاریخ، نیاز به تحلیل و کارشناسی دارد و افراد عادی و عامی برای بهره‌مندی از آنها به یک راهنمای خوب و مطلع محتاجند. البته، افراد مختار هستند تا راهنمای دلخواهشان را برگزینند.

از ظاهر اثر
چنین برمی‌آید که امام،
بدعت‌گذار ولایت فقیه
بوده‌اند
و این موضوع
در تاریخ فقه و کتب
فقهی مطرح نبوده است.

عمده ترین مشکل کتاب،
بلا تکلیفی آن است.



این تاریخ نگاری،
از تحریف، چندان هم بی نصیب نمانده است.

این کتاب
بیشتر برای ذهن ساده کودکان مناسب است تا
برای ذهن پرسشگر نوجوانان.

تنها در یک فرد سیاسی ستودنی از جانب ایشان بوده است.
در صفحه ۴۵ نیز آورده شده که «آیت‌الله خمینی در بهمن ۱۳۴۸ برای اولین بار بحث ولایت فقیه را مطرح می‌کنند.» در صورتی که وجود این بحث از زمان‌های بسیار گذشته و دور کاملاً قطعی و آشکار است و آن چه از متون تاریخ معاصر برمی‌آید، دو نکته است: اول این که امام احیاگر این تفکر بوده‌اند و نه خالق آن و دوم، ساواک یا رژیم پهلوی سعی داشتند این تصور خلاف واقع را در اذهان جاگیر کنند که امام بدعت گذار این بحث است و موضوع ولایت فقیه در فقه و کتب فقهی، تاکنون مطرح نبوده است و متأسفانه از ظاهر امر برمی‌آید که نویسندگان کتاب حاضر نیز چنین کرده‌اند.

نکته‌ای درباره بهای کتاب

عده‌ای از نویسندگان کودک و نوجوان، تاکنون سعی کرده‌اند قانون تناسب حجم کتاب و قیمت پشت جلد را به ناشران تفهیم کنند، اما قیمت بالای این کتاب نسبت به حجم آن، این تلاش یا باور را شکست.
نکته قابل تأمل، این است که نشر این کتاب را ۴ ناشر به عهده گرفتند که همگی از اعضای انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان هستند. چنین کاری دوبرداشت را در ذهن می‌نشانند: اول، این ناشران فرهنگی سعی داشتند با قرار گرفتن در کنار یکدیگر، پارانمای پرداخت کرده یا شکست احتمالی را همگی متحمل شوند و خدای ناکرده فشار حاصله تنها پشت یک ناشر فرهنگی را خم نکنند!

دوم، این پروژه چنان حجمی دارد که یک ناشر به‌تنهایی از عهده اجرای آن بر نمی‌آید و انجام آن همکاری ۴ ناشر را طلبیده است.

در هر دو صورت، باید به این ناشران دست‌مریزاد بگوییم و اگر حالت اول را صحیح بدانیم، اجرا آنها را از حضرت حق بخواهیم و تنها بپرسیم اگر قصد ثواب و حرکت فرهنگی داشتند، چرا تا این حد گران؟ مگر هزینه انتشار چنین کتابی چقدر است؟ و آیا در سال امام (ره) که همه ارگان‌ها قطعاً با خریدهای مختلف به حمایت و استفاده از این کتاب‌ها خواهند پرداخت؛ احتمال شکستی هم وجود دارد؟ و اگر حالت دوم را صحیح بدانیم باز باید بپرسیم پس چرا این قدر آرام و کند؟ زیرا ماه‌ها از انتشار کتاب اول گذشته است و از کتاب‌های بعدی هنوز خبری نیست؟

در پایان باید به مهمترین و برجسته‌ترین ویژگی کتاب «روح‌الله از تولد تا تبعیت» اشاره کرد؛ صفحه‌آرایی. استفاده از رنگ‌های متنوع، کیفیت چاپ مناسب و صفحه‌آرایی بدیع، به این کتاب جلوه‌شگفت‌آوری داده است که در نگاه اول می‌تواند هر بیننده‌ای را مفتون خود سازد.

یکی از مثال‌های عبور سطحی و گذرای کتاب، جریان زندگی آقا مصطفی، پدر روح‌الله است. نویسندگان محترم، با سه جمله کار را تمام کرده‌اند: «پدر روح‌الله در مقابل این زورگوها و متجاوزان ایستاده بود و نمی‌گذاشت به مردم ظلم کنند و سرانجام به دست دو تن از آنها به شهادت رسید.»

مشکلات و ایرایشی

متأسفانه، کتاب از یک ویرایش ساده هم محروم بوده است تا چه رسد به ویرایش فنی و غیره. به این چند جمله دقت کنید:
«... او را برای تحصیل به مکتب خانه آخوند آقاملا ابوالقاسم فرستادند. ملا ابوالقاسم پیرمردی بود که مکتب خانهاش نزدیک منزل روح‌الله بود. برادر روح‌الله هم پیش او درس خوانده بود.» - صفحه ۱۰ - حدیث مفصل، خواندنی است از این مجمل.

ظاهراً نویسندگان محترم، به هیچ چیز توجه نداشتند و یا در ترکیب کار گروهی دچار مشکل شده‌اند. در صفحه ۱۱ کتاب، باز نویسی خاطره‌ای از ختم قرآن توسط حضرت امام (ره) در سن هفت سالگی آمده است. دوستان نویسنده فراموش کرده‌اند که برای خواننده، مقیاسی بسازند تا او دریابد که آیا این ختم قرآن در این سن کاری عادی بوده است یا کاری شگرف و مثلاً دیگر بچه‌های مکتب خانه معمولاً در چه سنی به این کار موفق می‌شده‌اند. کودک حق دارد که مثلاً با مقیاس زمان حال و در نظر گرفتن کودکانی مانند «محمدحسین طباطبایی» و دیگر حافظان خردسال قرآن، این بخش از کتاب را بی‌مفهوم بیندارد و فرض بگیرد که حضرت امام (ره) کاری خارق‌العاده و عجیب انجام نداده است.

در صفحه ۱۲ گفته می‌شود که امام پس از رحلت آیت‌الله حائری، به شاگردی آیت‌الله بروجردی درآمد و دو صفحه بعد دوباره تکرار می‌شود که امام از شاگردان آیت‌الله بروجردی بود. چنین تکرارهایی، علاوه بر بی‌دقتی نویسندگان، به نبود ویراستار برمی‌گردد.

تحریف

شاید بشود گفت که این تاریخ‌نگاری، از تحریف چندان هم بی‌نصیب نمانده است. در صفحه ۱۴ لحن نویسنده به گونه‌ای است که گویا آیت‌الله بروجردی، مرجعیت تامه مسلمین را برعهده داشتند و در همان زمان بوده که حضرت امام (ره) به سلک شاگردی ایشان درآمدند است. در صورتی که در بعضی دیگر از کتاب‌های تاریخ و خاطره‌نگاری، از تلاش‌های زیاد امام در راه شناساندن آیت‌الله بروجردی، به عنوان مرجع و اعلم‌زمان سخن گفته و اذعان داشتند که تلاش‌های حضرت امام در راه به پایان رساندن پراکندگی تقلید و تمرکز مرجعیت

